


# New strategies in Islamic banking policy making with emphasis on solving the challenges in the banking system

**Abedin Momeni**

Professor Department of jurisprudence and fundamentals of law, Theology faculty, University of Tehran, Tehran, Iran (Corresponding author).


abedinmomeni@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

**Amir Ali Ebrahimi**

Ph.D Student, Department of jurisprudence and fundamentals of law, Theology faculty, University of Tehran, Tehran, Iran.

fehahat.isu@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

## **Abstract**

Environmental changes and the ability to adapt to these changes are necessary for organizations to survive. Today, organizations are facing a changing environment, and organizations can achieve success if they can quickly respond to these changes and have agility. In the meantime, the main issue in the Awqaf organization is to identify the effective factors on agility in the direction of the development of people's economic participation; By identifying these factors through interpretive structural modeling, the synergistic relationship between the factors can be determined. In terms of the development goal and the method of data collection, in the qualitative part, the field method and qualitative in-depth interview tools were used, and in the quantitative part, field methods and questionnaire tools were used to identify the drivers of agility, and interviews with experts were used, and then to analyze the information in the qualitative part. Coding and confirmatory factor analysis, model fitting and structural and interpretive modeling have been used in the quantitative part for data analysis. This research, while designing a strategic model of people's economic participation through the agility of the endowment sector and stratification of the influencing factors in its formation, has been used. It has also determined the relationship between these factors with the (ISM) method; According to the opinion of research experts, eight factors (new fields, public opinion, low productivity, need and desire Mowqoom Alaihim, political pressures, waqf alternatives, the need for clarification and the expectations of the waqfs) were identified as the main drivers.

**Keywords:** Mechanism, Islamic banking, Challenge, banking system.

**JEL Classification:** E52, G21.

## راهبردهایی نوین در سیاست‌گذاری بانکداری اسلامی با تأکید بر رفع چالش‌های موجود نظام بانکداری

عابدین مومنی

استاد گروه فقه و مبانی حقوق، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

abedinmomeni@ut.ac.ir

ORCID 0000-0000-0000-0000

امیرعلی ابراهیمی

دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده الهیات، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

feghahat.isu@gmail.com

ORCID 0000-0000-0000-0000

### چکیده

محققان و بانکداران مسلمان طی سه دهه گذشته پیشرفت‌هایی ستودنی به دست آورده‌اند؛ لیکن با این‌همه، سیاست‌های پولی و بانکی موجود در نظام بانکداری و مالی اسلامی همچنان در مراحل نخست توسعه قرار دارد و با مشکلات بی‌شماری روبه‌رو است. نظام بانکی اسلامی برای دستیابی به اهداف غایی خود و غلبه بر نظام بانکی متعارف لازم است به شکلی مناسب، سریع و هوشمندانه به مقابله با این چالش‌ها برخیزد. بانکی اسلامی نامیده می‌شود که بر مبنای احکام شریعت عمل کند. تفسیر مسائل شرعی برعهده فقها است. این در حالی است که علمای مکاتب و مذاهب مختلف اسلامی، هر کدام دیدگاه متفاوتی دارند. نظام بانکی اسلامی بر مبنای تعریف‌ها و تفسیرها و فتوای فقهای شکل می‌گیرد. پیشینه طولانی‌مدت بانکداری متعارف منجر به ایجاد یک بدنه قانونی و حقوقی پخته و مستحکم شده است؛ اما از آنجاکه نظام بانکی اسلامی نظامی نوظهور است، روش‌های قانونی و نظارتی سازگار با بانک‌ها و نهادهای مالی اسلامی هنوز به‌درستی ایجاد نشده و توسعه نیافته است. تجهیز منابع در این بانکداری به دو شیوه کلی صورت می‌گیرد: یکی سیستم غیرانتفاعی که خود دو دسته است: قرض‌الحسنه پس‌انداز و قرض‌الحسنه جاری؛ و دیگری سیستم انتفاعی شامل: سپرده‌های سرمایه‌گذاری است که از حیث زمانی به کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تقسیم می‌شود. سیاست‌های پولی و بانکی اسلامی، راهبردی عملیاتی در تجهیز و تخصیص منابع پولی، ارائه خدمات بانکی و سیاست‌گذاری پولی بر اساس آموزه‌های اسلامی است. به‌طور عمده می‌توان میان دو رویکرد ارزیابی محض فقهی و مهندسی مالی اسلامی در ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی تمایز قائل شد. در رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی بررسی سازوکار بانکداری اسلامی، فرایند بررسی تنها شامل موضوع‌شناسی و بررسی فقهی سازوکارهاست.

کلیدواژه‌ها: سازوکار، بانکداری اسلامی، چالش، نظام بانکداری.

طبقه‌بندی JEL: E52, G21

شاپای الکترونیک: ۶۵۶۸-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی پژوهشی راهبرد اقتصادی

doi 10.22034/es.2024.448780.1747



مسئولیت مقاله از نظر محتوای علمی و نظرات مطرح‌شده در متن آن، به عهده نویسندگان و یا نویسنده مسئول مقاله می‌باشد و مورد تأیید / عدم تأیید صاحب امتیاز نشر به راهبرد اقتصادی نمی‌باشد.

## مقدمه و بيان مسئله

مي توان گفت ناکارآمدی اقتصادی سبب عدم اعتماد مردم به نظام بانکی شده است. بیشترین مشکل به سیاست‌ها بازمی‌گردد. به هر تقدیر در جریان فعالیت‌های بانک‌ها، باید منابعی باشد تا آن را تخصیص دهند. آنچه در این میان مهم است، وجود منابع و تخصیص صحیح آن است. آنچه می‌تواند تخصیص را بهینه کند، توزیع صحیح منابع با لحاظ محدودیت‌هاست. باید قبول کنیم که منابع بانکی با محدودیت کامل مواجه هستند. برای توزیع صحیح منابع نیز نیاز به اصلاح سیاست‌های پولی است.

با این تفاسیر، اصلاح سیاست‌ها عملاً باید توسط بانک مرکزی صورت گیرد و ربط چندان به بانک‌ها و ساختار آنها ندارد؟ بانک‌ها مجری سیاست‌های پولی هستند. تعیین و تضمین سیاست‌ها توسط بانک مرکزی صورت می‌گیرد. یکی از وظایف بانک مرکزی اتخاذ سیاست‌های پولی و بانکی به‌منظور حفظ ارزش پول، توسعه سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی بر مبنای عدالت اعتباری است. عدالت اعتباری نیز اختصاص منابع سنگین به یک گروه یا اشخاص خاص نیست. اگر عدالت به‌عنوان یکی از اهداف اسلام و در زیرمجموعه آن عدالت اعتباری برقرار باشد، خود یکی از عوامل اساسی در افزایش اعتماد مردم به سیستم بانکی است (عیوضلو، ۱۳۸۷).

اعتماد یکی از مفاهیم زیربنایی برای انجام معاملات و مبادلات اقتصادی می‌باشد که خدشه در آن فضای لازم برای انجام فعالیت‌های اقتصادی را با چالش جدی مواجه می‌نماید. بی‌اعتمادی به نظام بانکی در شرایطی که بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رکن اقتصاد بانک‌محور ایران، نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی و مالی بر عهده دارند، می‌تواند عواقب غیرقابل جبرانی را برای اقتصاد کشور در پی داشته باشد. در شرایط حساس کنونی، جامعه ما بیش‌ازپیش نیازمند اعتماد و همدلی بوده تا دولت بتواند در محیطی توأم با آرامش و ثبات، سیاست‌های اقتصادی مورد نظر خود را برای نیل به رشد و توسعه اقتصادی در راستای ارتقاء سطح رفاه عمومی آحاد جامعه اجرا نماید. در همین راستا، خروج برنامه‌ریزی شده بانک‌ها از حیطه بنگاه‌داری می‌تواند نقش به‌سزایی را در ارتقاء اعتماد عمومی به سیستم بانکی ایفا نماید. اعتماد عمومی خود یکی از مؤلفه‌های اساسی سرمایه اجتماعی است، و سرمایه اجتماعی نیز یکی از اساسی‌ترین دارایی‌های هر بانک است.

میانگین و معدل نسبت تسهیلات قرض‌الحسنه به سپرده‌های قرض‌الحسنه، در طول بیست‌وچهار گذشته، در حدود ۴۰/۷ درصد بوده است. این بدان معنی است که

سیستم بانکی صرفاً کمی بیش از یک‌سوم منابع حاصل در سپرده‌های پس‌انداز قرض‌الحسنه را به‌صورت قرض‌الحسنه به متقاضیان عرضه کرده است و مابقی آن را خود در راستای کسب سود بیشتر به‌کار برده است. همین کمیت کم تسهیلات نیز نیازمند پژوهش جداگانه‌ای است که با چه کیفیتی در اختیار متقاضیان قرار گرفته است. این نوع عملکرد تأثیر به‌سزایی در سلب اعتماد از مردم نسبت به نظام بانکی در جهت ترویج قرض‌الحسنه داشته است. این نوع عملکرد در کنار عملکرد دیگر بانک‌ها در زمینه اعطای تسهیلات همراه سود که شباهت زیادی با عملکرد بانک‌های ربوی دارد، این حق را به مردم می‌دهد که معتقد باشند که سیستم کنونی در جهت اجرای درست و دقیق بانکداری بدون ربا حرکت نمی‌کند و باید تغییرات بنیادین و اساسی به‌صورت همه‌جانبه در قوانین و مقررات و نوع نگرش مدیران بانکی صورت پذیرد و صرفاً کسانی که به‌صورت عملی و در مقیاس سیستمی و عملیاتی معتقد به امکان اجرای بانکداری اسلامی در نظام پولی و بانکی هستند، در صدر امور نظام بانکی قرار گیرند (محقق‌نیا، ۱۳۹۲)؛ اما بانکداری فعلی کشور هیچ‌کدام از مسائل بالا را تأمین نمی‌کند و سود کوتاه‌مدت خود را به هر قیمتی به هر چیزی ترجیح می‌دهد (عیوضلو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۴).

عدم اعتماد مردم ناشی از عدم ثبات و اطمینان است. جلب اعتماد مردم در تأمین استقلال و آرامش جامعه از طریق مرتفع‌ساختن چالش‌های آن به‌عنوان یکی از اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت طبق موارد گفته شده الزامی است. همچنین جلب اعتماد مردم در حفظ وحدت و استحکام اجتماعی اقشار مختلف و تمامی مسلمانان، تلاش برای تحقق عدالت اجتماعی در همه ابعاد، پاداش مطابق کار و به‌ازای تلاش و نه نظام عرضه و تقاضا، ارزش کار به‌قدر توان، برتری قرض‌الحسنه از صدقه، اقتدار ملی، مشارکت مردمی و حاکمیت قانون، عزت ملی؛ وحدت ملی به‌عنوان مؤلفه‌های الگو تأثیر به‌سزایی دارد.

تفاوت نرخ سود مشارکتی و مبادله‌ای و نحوه اعطای تسهیلات به طرح‌های بلندمدت و کوتاه‌مدت، پایین بودن نرخ سود تسهیلات، به‌تنهایی باعث کاهش قیمت کالا نمی‌شود؛ یعنی با کاهش دستوری هزینه مالی تورم کاهش نمی‌یابد، با توجه به واقعه چند سال اخیر و جهش نرخ ارز و کاهش ارزش ریال، متوجه این قضیه می‌شویم که ریشه تورم در جای دیگری است. اگر به میزان کافی و به‌مدت لازم، مدت منطقی در اختیار سرمایه‌گذاران قرار بگیرد، می‌تواند باعث بهره‌وری کل سرمایه‌گذاری شود. سرمایه‌گذاری باید در شرایط اشتغال کامل صورت گیرد، یعنی

با ظرفیت کامل به فعالیت ادامه دهد و از زیان توقف سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری جلوگیری کند، نه اینکه محدودیت در اعتبارات باعث شود که سرمایه‌گذاری در ظرفیت کامل آن قابل بهره‌برداری نباشد؛ بنابراین، نه تنها قیمت کالا افزایش نمی‌یابد بلکه منافعی را هم برای سرمایه‌گذار به دنبال خواهد داشت. مشتریان بانک‌ها از کمبود اعتبار و عدم تخصیص به موقع اعتبار بانکی شکایت دارند، از نرخ سود بانکی شاکه و گله‌مند نیستند. ضمن اینکه گیرنده تسهیلات نیز نباید توقع داشته باشد که پس‌انداز دیگران که قیمت عمر آنها است را به‌بهایی کمتر از ارزش واقعی روز آن در اختیار بگیرند.

براین اساس، تفاوت نرخ سود مشارکتی و مبادله‌ای معضلی بزرگ در ساختار تأمین نقدینگی واحدهای اقتصادی بوده و از امکان سرمایه‌گذاری جدید، رشد و توسعه اقتصادی ایجاد اشتغال بیشتر جلوگیری می‌کند. تفاوت نرخ سود عقود مشارکتی و مبادله‌ای پدیده‌ای است که اخیراً ابداع شده و در اصل بانکداری اسلامی نبوده است؛ به‌عنوان مثال وجود تفاوت نرخ سود در قالب فروش اقساطی تسهیلات به‌صورت یک‌ساله با نرخ ۱۵ درصد و در قالب عقود مشارکتی با نرخ ۲۵ یا ۳۰ درصد را هیچ منطقی تأیید نمی‌کند. به‌جز اینکه ما بخواهیم یک عقد بسیار مؤثر در مبادلات بانکی مانند فروش اقساطی یا اجاره به شرط تملیک را از کارایی ساقط کنیم (کهندل، ۱۳۸۴).

در بانکداری متعارف، نرخ‌های بهره نه به‌صورت دستوری بلکه از تعامل نیروهای عرضه و تقاضا در بازار و تحت کنترل مقامات پولی شکل می‌گیرند. در چنین نظام‌هایی نرخ‌های بهره به‌صورت ثابت و متغیر فعال بوده و امکان عقد قرارداد با نرخ‌های ثابت و متغیر به‌صورت آزاد وجود دارد. در حالی که در اقتصاد ایران، روش و فرایند تعیین نرخ‌های سود بانکی با روش‌های تعیین نرخ در بانکداری متعارف متفاوت بوده و با ملاحظه بازدهی اقتصادی در بخش واقعی، قطعی شده و در مراحل اولیه به جهت دولتی‌بودن نظام، با نگاه حمایتی از بخش‌های اقتصادی و همچنین با توجه به شاخص‌های کلی اقتصادی (مانند تورم و غیره) به‌صورت دستوری توسط شورای پول و اعتبار تعیین می‌شوند (موسویان، ۱۳۸۹).

نرخ‌های تعیین شده سود در نظام بانکی ایران به‌دلیل ماهیت خاص خود از توانایی لازم برای برقراری تعادل ما بین عرضه و تقاضا و وجوه برخوردار نبوده و هیچ تضمینی وجود ندارد که نرخ سود تعیین شده از فرایند یادشده نرخ تعادلی اقتصاد باشد. علی‌رغم، کاستی‌های موجود در فرایند تعیین نرخ، تأکید می‌گردد که در

شرایط کنونی، تغییر نرخ‌های سود بانکی می‌باید مستند به مطالعات کارشناسی و واقعیات اقتصاد کشور انجام گیرد و هرگونه کاهش در نرخ‌های سود بدون توجه به شاخص‌های اقتصادی (همانند تورم و غیره) باعث ایجاد صف و اختلال بیشتر در نظام بانکی می‌شود. از بعد سپرده‌ها نیز کاهش نرخ سود باعث خروج منابع سپرده‌ای از شبکه بانکی، تغییر ترکیب سپرده‌های بانکی، رونق بازارهای موازی، رشد حباب‌گونه این بازارها، ایجاد فشارهای تورمی و گسترش بازار غیرمتمشکل پولی شده و شرایط را برای فعالیت اشکال مختلف و مجدد شرکت‌های مضاربه‌ای مهیا می‌سازد (اکرمی و مهدی‌زاده، ۱۳۸۳).

در اینجا باید عنوان کرد که تفاوت بین دو دسته از عقود مبادلاتی و مشارکتی در چیست؟ آیا هزینه‌های کنترل و نظارت و حتی اعطای اولیه تسهیلات طبق این عقود می‌تواند توجیه‌کننده این اختلاف باشد؟ جواب این مسئله این است که، اگر در محاسبه هزینه تأمین مالی به‌وسیله هر کدام از عقود تمامی هزینه‌ها محاسبه شده و قیمت نهایی آن مدنظر است و آنچه باعث افزایش هزینه‌های نوعی از عقود می‌شود، باعث افزایش هزینه‌های تأمین مالی از راه این عقود می‌گردد. آنچه در اینجا اهمیت دارد این است که اگر حوزه‌های فعالیت این دو نوع عقود متفاوت است، چرا باید ما از اختلاف در سود آنها حرف بزنیم؟ طبق آنچه در اصول ابتدایی اقتصاد می‌خوانیم وقتی سرمایه در حوزه‌ای باردهی بیشتر دارد باید تمامی سرمایه سرگردان به آن حوزه سرازیر شود و این روند با افزایش عرضه به این حوزه باعث کاهش سود در این حوزه شده و تا جایی ادامه می‌یابد که سایر حوزه‌ها سود بیشتر را به همراه داشته باشند. نتیجه می‌گیریم که اگر تخصیص به‌صورت بهینه انجام گیرد و بازار برای آن آزادانه عمل کند این اختلاف از بین می‌رود. اختلاف موجود را تنها می‌توان به این شکل توصیف کرد که به‌علت تعیین دستوری سود در این دو حوزه و وجود هر دوی این نوع تسهیلات در بانک‌ها رخ می‌دهد. در این شرایط طبیعی است که تقاضاکنندگان به سمت تسهیلات ارزان‌تر می‌روند و سعی در ظاهرسازی و وانمود کردن به نیاز به عقود ارزان‌تر برای فعالیت‌ها در آن زمینه را می‌کنند، درحالی‌که واقعیت به شکل دیگری است. پس ما عملاً نمی‌توانیم دو نرخ سود را همزمان داشته باشیم مگر با داشتن سطح ریسک متفاوت یا سطح سرمایه‌گذاری متفاوت. شکاف این دو حوزه یا باید از بین برود، در غیراین‌صورت بازار هر روز بیشتر باعث افزایش شکاف و اختلاف بین آن دو خواهد شد. مسئله ثانویه‌ای که در اینجا رخ می‌دهد این است که عملاً با توجه به تظاهرگیرندگان تسهیلات حوزه‌هایی که باید با نرخ بالاتری

از سود تسهیلات بگیرند، عملاً با نرخ کمتری آن را دریافت می‌کنند و این تخصیص نابهینه تسهیلات است. علاوه بر اینکه آمار اشتباهی را برای اقتصاددانان ارائه می‌کند، خود نیز بهینه نیستن؛ زیرا تفاوت این دو نرخ هیچ توجیه اقتصادی ندارد.

در جنبه دیگر هدف و مبنای عدالت در الگو باید گفت که نرخ‌های بانکی باید عادلانه باشد چه نرخ سود سپرده‌ها، چه نرخ سود تسهیلات و چه نرخ سودی که برای خود بانک می‌ماند. با توجه به اینکه بانک یک مؤسسه واسطه است؛ یعنی از یک طرف منابع را جمع می‌کند و به آنها سود می‌پردازد و از طرف دیگر این منابع را در قالب تسهیلات بانکی در اختیار متقاضیان قرار می‌دهد و از آنها سود می‌گیرد و خودش از مابه‌التفاوت این دو سود، سود می‌برد، این سودها باید بر اساس موازین و معیارهای شرعی تحصیل شود. از دیدگاه اسلام هر عاملی که نقشی در ایجاد ارزش افزوده دارد به همان اندازه از سبد سود، حق سهم برمی‌دارد و اینجا می‌توانید به ماهیت ربا پی ببرید؛ به‌عنوان مثال، وقتی کارخانه‌ای مواد اولیه را می‌گیرد و نیروی کار و ماشین‌آلات رویش کار می‌کند تا محصولی به‌وجود می‌آید و آن محصول به قیمت مشخصی فروخته می‌شود، درآمدی که از محل فروش این محصول به‌وجود می‌آید، متأثر از عوامل مختلف است. از دیدگاه اسلام هریک از این عوامل به تناسب نقشی که در ایجاد آن ارزش افزوده داشته، از درآمد حاصل هم سهم دارند و باید به آنها سهمی داده شود. در یک نظام بانکی اسلامی هم بانک سپرده‌ها را از بین اقسشار مختلف جمع‌آوری و طبقه‌بندی می‌کند و در اختیار فعالان اقتصادی قرار می‌دهد. فعالان اقتصادی با استفاده از این سرمایه‌ها انواع فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، خدماتی، مسکن، معدنی و مانند اینها را انجام می‌دهند و ارزش افزوده‌ای به‌وجود می‌آید. قطعاً بخشی از این ارزش افزوده محصول همین سرمایه‌های نقدی است که از طریق نظام بانکی به‌دست فعالان اقتصادی رسیده است و از این‌رو، باید بخشی از این درآمد از طریق نظام بانکی به سپرده‌گذاران برسد.

## ۱- بررسی معضلات و مشکلات اجرای بانکداری اسلامی در ایران مطابق با الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

در این بخش به بررسی چالش‌ها و مشکلات اجرای بانکداری اسلامی در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت می‌پردازیم و سعی در ارائه راهکارهایی برای آنها می‌کنیم. روال بحث در این پژوهش بدین ترتیب خواهد بود که بعد از تبیین مبانی نظری پژوهش، چالش‌های پیش‌روی نظام بانکداری اسلامی مورد تبیین قرار خواهد گرفت

و در ادامه، رویکردها و الگوهای سازوکارهای بانکداری اسلامی ارائه خواهد شد. در ادامه، رویکردهای سازوکار بانکداری اسلامی به‌عنوان مؤلفه‌های پیشنهادی بیان خواهد شد.

## ۲. پیشینه پژوهش

میرجلیلی (۱۳۸۱)، در مقاله خود با عنوان «مسائل بانکداری بدون بهره در تجربه ایران»، مسائل واقعی ناظر به مرحله اجرا در بانکداری بدون ربای ایران می‌پردازد. بدین‌منظور مشکلات ساختاری نظام بانکی برشمرده و سیاست‌های پولی بانک مرکزی را به‌عنوان عاملی مؤثر بر نظام پولی کشور مطرح می‌کند (میرجلیلی، ۱۳۸۱).

مجتهدزاده و حسن‌زاده (۱۳۸۴)، در کتاب پول و بانکداری و نهادهای مالی، ضمن تشریح مبانی بانکداری اسلامی، چالش‌ها و مشکل‌های نظام بانکداری بدون ربا در ایران را بررسی نموده‌اند که برخی از این چالش‌ها به‌صورت مشکل‌های اجرایی و برخی دیگر قانونی یا مدیریتی بوده‌اند؛ اما در کتاب به چالش‌های علمی و نظری بانکداری اسلامی پرداخته نشده است (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۴).

اکبریان و رفیعی (۱۳۸۶)، برخی از چالش‌های موجود در بانکداری اسلامی در ایران و چند کشور دیگر را بررسی می‌کند و بعد از طبقه‌بندی مشکلات از منظر ابعاد خرد و کلان اقتصادی به ارائه راهکارهایی برای این مشکلات می‌پردازد (اکبریان و رفیعی، چالش‌های نظری و عملی بانکداری اسلامی و راهکارها، ۱۳۸۶).

موسویان (۱۳۸۶)، عدم اجرای صحیح بانکداری اسلامی در ایران را نارسایی در قانون عملیات بانکداری در قانون فعلی می‌داند. وی ضمن بررسی این نارسایی‌ها در قانون کوشیده است تا نسخه‌ای پیشنهادی از قانون را برای جایگزینی با قانون فعلی ارائه دهد. همچنین تلاش کرده است تا الگویی برای اجرای بانکداری اسلامی در ایران ارائه دهد (موسویان، ۱۳۸۶).

رزمی (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «بررسی نحوه اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا از جهت تطبیق با موازین شرع و قانون»، به‌دنبال پاسخ به این است که اولاً، آیا بانکی بدون ربا از جهت تطبیق با موازین شرع و قانون قانون عملیات بانکی بدون ربا مطابق با موازین شرع می‌باشد؟ و ثانیاً، بانک‌ها از قانون عملیات بانکی بدون ربا پیروی می‌کنند یا خیر؟ ایشان به این نتیجه رسیده که بانک‌ها به‌جز در قسمت سود ثابت در مضاربه، از قانون پیروی می‌کنند (رزمی، ۱۳۸۸).



کیایی و دیگران (۱۳۹۲) به ارزیابی میزان کامیابی اجرای بانکداری اسلامی در ایران پرداخته‌اند. از طریق روش بهینه‌سازی پویا سعی کرده‌اند که میزان انطباق اجرای بانکداری اسلامی در ایران با الگوی مطلوب را ارزیابی نمایند. به این منظور از داده‌های سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ استفاده و به این نتیجه رسیده‌اند که بانک‌ها در چهارچوب عملیات بانکی بدون ربا عمل می‌کنند؛ اما عملکرد آنها با الگوی بانکداری اسلامی تفاوت دارد و به راه‌های پیشنهادی بانکداری متعارف نزدیک‌تر است. آنها علت را عدم توجه به نقش بانک‌ها به‌عنوان وکیل‌بودن می‌دانند (کیایی و ابریشمی، ۱۳۹۲).

اقبال و دیگران (۱۹۹۸) با بررسی چالش‌های پیش‌روی بانکداری اسلامی آنها را در دو حوزه دسته‌بندی کرده‌اند. حوزه سازمانی یا نهادی و حوزه عملیاتی. سپس این دو حوزه را به‌صورت مفصل بررسی و راهکارهایی برای آنها مطرح کرده‌اند.

### ۳. مبانی نظری پژوهش

بانکداری اسلامی خود مقوله‌ای فراتر از بانکداری بدون رباست. باید عنوان کرد در حوزه تجهیز و تخصیص که پایه‌گذاری بانکداری اسلامی، همواره تأمین نیازهای مقطعی و فوری واحدهای اقتصادی به‌صورت یک نارسایی مطرح و تاکنون راه‌حل اساسی برای آن ارائه نشده است، خاطرنشان می‌گردد بر اساس بانکداری سنتی یکی از شیوه‌هایی که به‌وسیله آن می‌توان این قبیل نیازها را تأمین کرد، اصطلاحاً شیوه «اعتبار در حساب جاری» است که بر اساس آن منابع مالی مورد نیاز واحدهای اقتصادی از طریق حساب جاری واحد (بدهکار کردن حساب واحد اقتصادی) تأمین می‌گردد که بر اساس موازین اسلامی تأمین منابع باید به‌صورت قرض‌الحسنه باشد و در نتیجه نمی‌توان و نباید سودی برای این‌گونه اعتبارات گرفته شود. تأمین این‌چنینی نیازهای مالی واحدهای اقتصادی توانمند، نه منطبق اقتصادی دارد و نه امکان‌پذیر است و تنها به‌همین دو دلیل اساسی است که هیچگاه چنین اندیشه‌ای نتوانسته است جامه عمل بپوشد (میرمعزی، ۱۳۸۴).

ساختارهای بسیار پیچیده و متفاوتی در بازارهای سرمایه اسلامی به‌کاربرده می‌شود که بازار این صنعت را با پیچیده‌گی بسیار همراه می‌کنند. در اوراق بهادار مرسوم و اوراق صکوک هم از همین الفاظ پیچیده استفاده می‌شود. باوجود این باید آگاهی کاربران این صنعت افزایش یابد تا تفاوت آشکار بین انواع صکوک مشخص و افراد از ریسک‌های احتمالی مطلع شوند. شفاف‌سازی بیشتری نیاز است چراکه باید ریسک‌های سرمایه‌گذاران مشخص و روشن شود. در سال ۲۰۰۸ شاهد غفلت‌هایی

بودیم که در آن سرمایه‌گذاران در مورد دارایی خود حس امنیت، مالکیت یا حق رجوع احتمالی نداشتند. این مسئله یک حقیقت ناخوشایند برای سرمایه‌گذاران بود چراکه مسائل اخلاقی پشت این ساختارهای اسلامی زیر سؤال رفته بود. بدیهی است چنین تبلیغات منفی به رشد صنعت بانکداری اسلامی که حامل برجسب بانکداری اخلاقی است، کمکی نمی‌کند (رحیمی، ۱۳۹۳).

بسیاری عقیده دارند بدون وجود نظام پولی اسلامی، سیاست‌های پولی از ماهیتی غیرکارا و ناقص برخوردار خواهند بود و یک چهارچوب بهینه در سیاست پولی که بر مبنای شریعت پایه‌ریزی شده باشد، بسیار انعطاف‌پذیرتر از همتای متناظر با آن در نظام ربوی است که در این میان استفاده از نرخ‌های سود شناور اثباتی بر این مدعا می‌باشد؛ اما این نظام چگونه باید حاصل گردد؟

در کل می‌بینیم که علی‌رغم مزیت‌هایی که انعطاف‌پذیری و تنوع‌پذیری مسائل فقهی بانکداری اسلامی در رشد خود دارد، با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. با انعطاف‌پذیری فقه شاید بتواند به رشد آن کمک کند؛ اما اگر چالش‌های ناشی از استفاده از تنوع و انعطاف‌پذیری در فقه به درستی شناخته و تنظیم نشود، ممکن است به‌زودی تبدیل به یک عامل محدودکننده رشد گردد. اگرچه زیرساخت برای تهیه استاندارد نظارت بر گسترش جهانی صنعت مالی اسلامی به‌سرعت در حال رشد است؛ اما خلأ تنظیم سازمانی برای استفاده منظم و کنترل‌شده از تنوع و انعطاف‌پذیری در قوانین شریعت وجود دارد. چنین ترتیبات نهادی نه‌تنها برای آماده‌سازی صنعت مالی در ایفای نقش بزرگتری در توسعه جهانی بلکه به برای اطمینان از پایبندی صنعت مالی به شریعت اسلامی نیز مورد نیاز است. با این استدلال بیان شده که در صورت عدم وجود یک قاعده فقهی مشخص، نظام مالی اسلامی ممکن است دچار مشکل شود. مشکلات احتمالی که ممکن است از این تنوع‌پذیری حادث شوند را موارد زیر می‌دانند:

۱- چگونه در عمل این فعالیت‌ها به‌صورت حقیقی اسلامی باقی بمانند و از روح حقیقی اسلام منحرف نشود؟

۲- چگونگی حفظ نظم بازار و شفافیت درباره محصولات اسلامی و قیمت‌هایی که وضع می‌شود؟

۳- تنوع در نظریات فقهی چگونه موجب مخاطرات اخلاقی نخواهد شد؟  
اما یک چنین تشکلی می‌تواند صنعت مالی اسلامی را به طرق مختلف علاوه‌بر تولید یک منبع از تجربه و تخصص حرفه‌ای شریعت صالح و متعهد کند:

- ۱- می‌تواند نقشی اساسی در اداره امور شرکت‌ها و مؤسسات مالی اسلامی ایفا کند.
  - ۲- می‌تواند یک ساختار باشد که به‌طور مؤثر بر نظارت، اعتبار شغلی اعضاء و صنعت خدمت کند.
  - ۳- می‌تواند به فعالیت‌های قانونی و نظارتی مؤثر بر صنعت مالی جهانی و اعضای آن کمک کند. با استفاده از روش شریعت سازگار برای حل مشکلاتی که چنین فعالیت‌های نظارتی ممکن است برای استفاده از شریعت در صنعت ایجاد کند فایده‌مند است.
  - ۴- می‌تواند یک کد اخلاق برای تعیین استانداردهای رفتاری مورد انتظار اعضای خود را در ارائه مشاوره بر اساس شریعت و در برخورد با تضاد منافع که ممکن است از رابطه رسمی با مقامات اجرایی به‌وجود می‌آیند توسعه یابد، تدوین کند.
  - ۵- می‌تواند سازمان‌دهی همایش‌ها و کارگاه‌های آموزشی برای ایجاد آگاهی در مورد فعالیت‌های مبتنی بر شریعت در صنعت مالی و ارائه یک فرم برای بحث در مورد مسائل مربوط به استفاده از شریعت در صنعت مالی باشد.
  - ۶- یک نظارت عمومی و گزارش به مقامات نظارتی و دیگر نهادهای مربوطه ارائه کند. در کل به‌طور مستقیم آنچه که ما نیاز داریم نهادینه کردن خدمات استاندارد شریعت در سطح جهانی و در زمینه مالی است و اعتقاد دارد که در زمان مناسب می‌توان با تأسیس انجمن بین‌المللی محققان شریعت برای صنعت مالی شروع ساده‌ای داشت و بعد از آن برای توسعه این نهاد به یک ARMSCFI کامل تکامل یافته اقدام کرد (فهیم‌خان، ۲۰۰۷).
- پیچیدگی در کار بانک‌ها باعث غرر می‌شود. غرر به‌معنای ابهام در قراردادهای و جهالت در آنهاست. اسلام به‌دنبال این است که در فضای روابط اقتصادی، معاملات و شیوه‌های استفاده از اموال کاملاً شفاف، روان و گویا باشد. به‌گونه‌ای که طرفین قرارداد و سایر افرادی که در معرض این قرارداد مالی هستند از حق و حقوق خود به‌صورت شفاف مطلع باشند. به‌همین جهت است که در اسلام قراردادهایی که ارکان آن مبهم است، باطل به‌شمار می‌رود؛ یعنی مثلاً اگر من کالایی را بخرم و ندانم جنس کالا از چیست، دست اول است یا دست دوم، مقدارش چقدر است، کجا تحویل داده می‌شود، کیفیت و زمان تحویل آن چگونه است و مانند اینها، اگر این‌گونه مسائل مبهم باشد به این معاملات غرری می‌گوییم و باطل است. در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت این مهم باید محقق گردد؛ زیرا تأمین استقلال و آرامش جامعه از طریق مرتفع ساختن چالش‌ها، جامعیت، امنیت، عدالت، رفاه، استقلال، عزت ملی، آزادی، تعاون، حکومت به‌عنوان اهداف و مبانی الگو با وجود غرر محقق نمی‌شوند.

#### ۴. مفهوم‌شناسی بانکداری اسلامی و تفاوت آن با بانکداری مرسوم

در یکی از تعاریف بانکداری اسلامی آمده است: «بانکداری اسلامی نوعی الگوی خاص یا مدل تعدیل‌شده‌ای از بانکداری متعارف است که در آن تلاش می‌شود تمامی روابط و مناسبات، سازگار با شریعت و فقه اسلامی و در راستای اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام مانند عدالت و اخلاق تنظیم گردد». نکته قابل توجه آن است که در کنار «بانکداری اسلامی» گاه از «بانکداری بدون ربا» یاد می‌شود و مقصود از آن الگویی از بانکداری اسلامی است که بر مسئله حذف ربا تأکید دارد و سایر مسائل در اولویت دوم قرار می‌گیرد.

بانک و نظام بانکداری اسلامی صرفاً با حذف ربا تحقق نمی‌یابد بلکه در کنار این ویژگی مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی دارد که در زیر به آن‌ها می‌پردازیم:

۱- عادلانه بودن تمامی روابط و مناسبات: معیار قرار گرفتن عدالت در نظام اقتصاد اسلامی به‌طور عام و در بانکداری اسلامی به‌طور خاص مهم‌ترین اصل است. براین اساس، تمامی روابط و مناسبات در چهارچوبی عادلانه باید باشد و هرگونه رابطه‌ای که با معیارهای عدالت ناسازگار نماید، نامشروع است. تقسیم عادلانه سود بین سهامداران، سپرده‌گذاران و بانک، عدالت در اعطای تسهیلات و توزیع عادلانه تسهیلات بانکی بین بخش‌ها و اقشار مختلف جامعه و نیز عدالت در دریافت سود تسهیلات اعطایی، از ابعاد اجرای این اصل در بانکداری اسلامی است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۰).

۲- تأمین مبانی، قواعد و احکام فقهی در حوزه معاملات: سازگاری عملی تمامی روابط و معاملات بانکی با فقه اسلامی اهمیتی ویژه دارد. بررسی منابع فقهی در این باره نشان می‌دهد که شارع مقدس در برخورد با معاملات رویکردی امضایی اتخاذ نموده است؛ بدین معنا که هرگونه معامله در میان عرف و عقلا به شرط سازگاری با اصول و ضوابط شریعت تأیید می‌شود. تمامی این اصول را می‌توان در دو دسته «ضوابط فقهی عمومی» و «ضوابط فقهی خصوصی» تقسیم‌بندی کرد. برخی ضوابط عمومی عبارت‌اند از: اصل صحت و لزوم قراردادهای؛ اصل ممنوعیت اکل مال به باطل؛ اصل ممنوعیت ربا؛ اصل ممنوعیت ضرر؛ و اصل ممنوعیت غرر (جهالت در معامله، و شفاف نبودن قراردادها). ضوابط اختصاصی هریک از عقود اقتصادی نیز در منابع فقهی به تفصیل آمده است. طبیعی است که رعایت همه‌جانبه ضوابط یادشده نظارت شرعی مستمر بر عملیات بانک‌ها و بانک مرکزی را می‌طلبد.

۳- آزادی محدود عوامل اقتصادی: تمامی افرادی که در بازار پول اسلامی به معامله می‌پردازند، باید باتوجه‌به نیازهایشان آزادی و انتخاب کافی داشته باشند. روشن است که این آزادی مطلق نیست بلکه مقید است به ضوابط عمومی و خصوصی پیشگفته در فقه اسلامی و نیز قوانینی که در حکومت اسلامی برای مدیریت نظام اقتصادی وضع می‌شود. شهید صدر اصل «آزادی در چهارچوب محدود» را از جمله اصول اساسی اقتصاد اسلامی می‌داند (روحانی و بنی‌طبا، ۱۳۹۶).

## ۵. چالش‌های پیش روی نظام بانکداری اسلامی

### ۵-۱. محدودیت بهره‌گیری از عقود

فہیم خان در این رابطه معتقد است که علی‌رغم مزیت‌هایی که انعطاف‌پذیری و تنوع‌پذیری مسایل فقهی بانکداری اسلامی در رشد خود دارد، با چالش‌هایی نیز روبه‌رو است. انعطاف‌پذیری فقه می‌تواند به رشد صنعت مالی اسلامی کمک کند؛ اما اگر چالش‌های ناشی از استفاده از تنوع و انعطاف‌پذیری در فقه به‌درستی شناخته و تنظیم نشود، ممکن است به‌زودی تبدیل به یک عامل محدودکننده رشد گردد. از نظر ایشان اگرچه زیرساخت برای تهیه استاندارد نظارت بر گسترش جهانی صنعت مالی اسلامی به‌سرعت در حال رشد است؛ اما خلأ تنظیم سازمانی برای استفاده منظم و کنترل شده از تنوع و انعطاف‌پذیری در قوانین شریعت وجود دارد. چنین ترتیبات نهادی نه‌تنها برای آماده‌سازی صنعت مالی در ایفای نقش بزرگ‌تری در توسعه جهانی بلکه به برای اطمینان از پایبندی صنعت مالی به شریعت اسلامی نیز مورد نیاز است. تأسیس نهاد و وضع قوانین فقهی مشخص برای جلوگیری از پراکندگی استفاده از قواعد شریعت و جلوگیری از بروز مشکلات احتمالی آن و تعیین استانداردها و مبانی فقهی مشترک برای گسترش صنعت مالی اسلامی ضروری است. نهادینه کردن خدمات استاندارد شریعت در سطح جهانی و در زمینه مالی از اهمیت زیادی برخوردار است و در زمان مناسب می‌توان با تأسیس انجمن بین‌المللی محققان شریعت برای صنعت مالی شروع ساده‌ای داشت و بعد از آن برای توسعه این نهاد به یک ARMSCFI کامل تکامل‌یافته اقدام کرد (فہیم خان، ۲۰۰۷).

در این رابطه پیشنهاد می‌گردد کمیته فقهی تأسیس شود که علاوه‌بر فقه دارای دانش اقتصادی باشند و چند عقد خاص را برای بانک‌ها انتخاب کرده، چنانچه قبلاً گفته شد تجربه نشان داده حتی با ۵ یا ۶ نوع عقد نیز نیازهای بازار مالی بر طرف می‌شود، با تعیین این عقود استانداردهای کلی برای آنها تعریف گردد. همچنین

تأسیس یک مرکز هماهنگ‌سازی و یکپارچه‌سازی برای عقود اسلامی و بانکداری اسلامی ضروری است؛ زیرا اگر بانکداری اسلامی بخواهد جهانی شود، اولاً، باید خدمات مشابهی را در همه‌جا ارائه دهد؛ ثانیاً، عقیده به درست‌بودن و اعتماد به عقود در همه‌جا باید یکسان باشد؛ یعنی به شکلی تعریف شوند که نظر مساعد تمامی مذاهب را تأمین کنند؛ ثالثاً، اعتبار جهانی برای خود کسب کنند و در سایر سیستم‌های بانکداری نیز به شکل خاص و یکپارچه شناخته شوند و تعامل کنند (عیوضلو و کریمی‌ریزی، ۱۳۹۴).

وجود این محدودیت در تحقق عدالت به‌عنوان اصلی‌ترین هدف و مبنای الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأثیر منفی دارد. این محدودیت ناشی از معاملات باطل در اسلام است. فقها به‌طور مفصل ضوابط معاملات باطل و معاملات صحیح و حق را توضیح دادند. وقتی من می‌خواهم در اموال کسی تصرف کنم اگر متناسب با مالی که به‌دست من می‌رسد، مال باارزشی از من به آن شخص منتقل شود، می‌گوییم این قرارداد ما به‌ازای مالی دارد و حق است؛ اما اگر ببینیم یک دارایی از یک‌طرف به طرف دیگر منتقل می‌شود؛ اما در مقابلش چیز باارزشی به آن طرف منتقل نمی‌شود، این از دید عرف و عقلاً ناحق شمرده می‌شود. مطابق این آیه هر نوع قرارداد که منشأ عقلایی ندارد مانند قراردادهای ربوی، قماری، معاملاتی که بر اساس دروغ، سوگند، زیبا نشان دادن (درحالی‌که پشت پرده خبری از این زیبایی نیست) و غیره از مصادیق «اکل مال بباطل» محسوب می‌شود؛ بنابراین، یک بانک اسلامی باید ابزارها و شیوه‌های قراردادی را به‌گونه‌ای طراحی و تنظیم کند که دقیقاً وقتی امکاناتی از بانک به مشتری منتقل می‌شود از آن طرف هم مالی به بانک منتقل شود و بالعکس. همچنین در تحقق هدف حمایت از محرومان و مستضعفان جهان، حفظ و تحکیم بنیان خانواده و پایه‌ریزی نظام تعلیم و تربیت اسلامی، پیشرفت همراه با عدالت، تکافل و همیاری، تأمین نیازهای مادی و معنوی انسانی در جریان رشد و تکامل و شکوفایی استعدادها و بالندگی تولید و اشتغال کامل و مولد، اشتغال کامل و خوداتکایی و کارآمدی تأثیرگذار است.

## ۵-۲. کمبود ابزارهای تجهیز و مصرف منابع و مشکلات اعطای

### تسهیلات و اعتبارات

یکی از شاخصه‌های بانکداری اسلامی موازین و شاخص‌های شرعی می‌باشد که اصولاً این شاخصه‌ها نمادی از بنیان اخلاقی دینی را به نمایش می‌گذارند. تسهیلات در

بانکداری اسلامی، گرچه باید با یک فعالیت اقتصادی پیوند بخورد؛ اما موازین دینی معتقد هستند. هر فعالیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری و ایجاد فرصت شغلی نمی‌تواند مورد قبول باشد. از این‌رو در این نظام مالی، فعالیت‌های غیراخلاقی مانند قمارخانه و دیگر مراکز غیراخلاقی مردود شناخته شده و تسهیلات به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد. از سوی دیگر، ورای اصول اخلاقی، قواعد شرعی مانند حرمت ربا که دارای کارکرد منفی در اقتصاد می‌باشد نیز در این نوع نظام بانکداری، کنار گذاشته می‌شود. به عبارت دیگر در نظام بانکداری اسلامی اصول اخلاقی فردی که از کنار هم قرارگرفتن آن‌ها به سرمایه و اعتماد اجتماعی منجر می‌شود، لازم است و هم اصول و قواعدی که در سطح کلان اقتصاد تأثیرگذار می‌باشند. بر پایه نکات یادشده، با بررسی بانکداری ایران به‌عنوان پیشرو در توسعه نظام بانکداری اسلامی، ملاحظه می‌شود که میان بانکداری اسلامی و سیاست‌های پولی و بانکی رایج در اکثر مؤسسات مالی و اعتباری، گسست‌هایی مشاهده می‌شود؛ لذا توصیه‌های ذیل در راستای کاهش این فاصله‌ها پیشنهاد می‌شوند (مکیان و محبی، ۱۳۹۲):

۱- تدوین منشور اخلاقی جامع و مشترک برای همه بانک‌های دولتی و خصوصی کشور؛

۲- تخصیص تمامی منابع قرض‌الحسنه در تسهیلات مربوط به آن؛

۳- شفافیت از اصول مسلم بانکداری اخلاقی و فقه اسلامی است که در نظام بانکداری کشور کمتر وجود دارد. تلاش برای شفافیت عقود و قوانین نیز از پیشنهادهای این نوشتار می‌باشد؛

۴- بازنگری در قوانین فعلی بانکداری، که بعضاً تطابق لازم را با فقه اسلامی ندارند؛  
۵- ارائه راه‌های جایگزین برای جریمه تأخیر، جهت نزدیک‌تر شدن به نظام بانکی اسلامی.

یکی دیگر از چالش‌های اعطای منابع چنانچه در قیل بیان شد در نظام بانکداری بدون ربا در کشور با آن مواجه است، مسئله بازپرداخت مطالبات بانکی می‌باشد. در واقع، هنوز راهکار مشخصی به‌منظور حل مشکل بازپرداخت که به‌لحاظ اقتصادی قابل قبول بوده و با اصول فقهی نیز در تعارض نباشد، طراحی نشده است. بررسی تاریخی اجرای بانکداری بدون ربا در کشور نشان می‌دهد موضوع بازپرداخت منابع و به‌طور خاص جریمه دیرکرد، از جمله مواردی است که پس از انقلاب اسلامی همواره مورد بحث و چالش فقهی حقوقی بوده و هنوز راه‌حل مناسبی برای آن ارائه نشده است. راهکارهای پیشنهادی در این زمینه عبارت‌اند از:

الف) تدوین مقررات و آیین‌نامه‌ها به نحوی که به کاهش ریسک نکول در نظام بانکی منجر شود؛

ب) تشکیل بانک جامع اطلاعات مشتریان و ایجاد تدابیر تشویقی و تنبیهی جهت جلوگیری از به تأخیر افتادن تأدیه منابع بانکی؛ به‌عنوان مثال، در نظر گرفتن رتبه اعتباری مثبت برای وام‌گیرندگانی که منابع را به موقع به بانک باز می‌گردانند و در مقابل، رتبه اعتباری منفی برای نکول‌کنندگان، می‌تواند یکی از این تدابیر باشد. واضح است که این رتبه‌های اعتباری می‌تواند در تصمیم به وام‌دادن مجدد به فرد تأثیرگذار باشد؛

پ) کمیته مشورتی بانکداری اسلامی در بانک مرکزی، ضمن برگزاری جلساتی با فقها و صاحب‌نظران اقتصادی، جهت حل چالش جریمه تأخیر تأدیه الگوی مناسب فقهی اقتصادی، ارائه دهد (موسویان، ۱۳۹۲).

این واقعیت را باید در سیاست‌های پولی و بانکی بانکی درک کرد که خدمات مالی برای همه طبقات و اقشار جامعه در دسترس نیست و فقط مختص گروه‌های خاص است. آنچه سیاست‌های پولی و بانکی در این زمینه می‌تواند انجام دهد، وارد حوزه عمل‌شدن در سیستم‌های تخصصی و غیره در بانکداری است، مانند وارد شدن به حوزه بانکداری خرد یا غیره منتقدان بیان می‌کنند که بانک‌های اسلامی نمی‌توانند از مزیت‌ها و پشتیبانی‌های بانک مرکزی استفاده کنند؛ به عبارت دیگر، در مواقع ضرور نمی‌توانند از بانک مرکزی در جایگاه قرض‌دهنده (به‌علت بازپرداختی که به‌صورت بهره است)، استفاده کنند.

مطالعه اهداف، انگیزه‌ها و روحیات سپرده‌گذاران در جوامع اسلامی نشان می‌دهد که دست‌کم با انواع سپرده‌گذاران زیر روبرو هستیم: در قرض‌الحسنه، برخی هدف خیرخواهانه دارند، برخی قصد ذخیره پولشان را دارند یا می‌خواهند از خدمات این حساب‌ها استفاده کنند، برخی انگیزه کسب امتیاز را دارند مانند گرفتن وام و برخی دیگر برای جواز بانکی اقدام به افتتاح حساب قرض‌الحسنه می‌کنند. در سپرده‌های جاری نیز عده‌ای فقط با انگیزه گردش پول و تنظیم دریافت و پرداخت، عده‌ای دیگر هم گردش پول هم اینکه استفاده از مانده حسابشان در اهداف خیرخواهانه و گروه سوم برای کسب امتیاز بانکی اقدام به افتتاح حساب می‌کنند. در حساب‌های سرمایه‌گذاری نیز عده‌ای قصد پس‌انداز و دریافت سود دارند، عده‌ای برای کسب سود معین بدون پذیرش ریسک، عده‌ای دیگر دریافت سود انتظاری و آماده پذیرش ریسک و گروه آخر کسانی که مایل به سرمایه‌گذاری در پروژه یا صنعت خاصی بوده



و حاضر به سپرده‌گذاری به صورت مشاع و کلی نیستند. سیاست‌های پولی و بانکی فعلی برای هر یک از گروه‌های بالا تفاوتی قائل نیست و نمی‌تواند به صورت مجزا به آنها خدمات ارائه دهد و برای هر گروه از قرض‌الحسنه، جاری و سرمایه‌گذاری فقط یک و سرانجام دو نوع از انگیزه‌ها را پاسخگو می‌باشد (موسویان و میسمی، ۱۳۹۵).

در بخش تخصیص نیز این عدم تطابق موجب می‌شود که سودآوری پروژه‌ها از نظر سپرده‌گذاران هیچ اهمیتی نداشته باشد؛ زیرا سود به صورت مشاع تعیین می‌گردد. طراحی سپرده‌های خاص سرمایه‌گذاری خاص باعث می‌شود بانک‌ها به صورت کارا تر عمل کنند و با تخصیص سود هر بخش و غیره مشخص و یافتن پروژه‌های سودآور بهتر عمل کنند.

یکی از اهداف الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت تأسیس حلقه‌های فکری و کرسی‌های نظریه‌پردازی و توسعه همه‌جانبه علم، فناوری و تفکر است که در این زمینه از اهم موضوعات می‌باشد. همچنین اهداف اهمیت کار و عبادت شمرده شدن آن، پاداش مطابق کار و به‌ازای تلاش، نه نظام عرضه و تقاضا. ارزش کار به قدر توان، تکافل و همیاری و غیره را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. همچنین از اهم موضوعات و اهداف اساسی الگو پیشرفت اقتصادی با اندیشه بومی است که کمبود ابزار در تجهیز و غیره مانعی در سر راه این مسئله بوده و باید رفع گردد.

در جدول زیر به صورت کلی، کارایی فنی بانکداری اسلامی نسبت به سایر بانک‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد<sup>۱</sup>:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بانک ملی ایران (۱۳۸۲). بانکداری داخلی. تهران: بانک ملی ایران.

**جدول (۱): بررسی کارایی فنی بانکداری اسلامی نسبت به سایر بانک‌ها**

ردیف	بانکداری متعارف	کارایی فنی مبتنی بر DEA (درصد)	کارایی فنی مبتنی بر SFA (درصد)	ردیف	بانکداری اسلامی	کارایی فنی مبتنی بر DEA (درصد)	کارایی فنی مبتنی بر SFA (درصد)
۱	الاید آیریش	۷۴/۱	۸۷/۶	۲۱	بانک رفاه کارگران	۱۰۰/۰	۷۶/۵
۲	بانک ایرلند	۸۹/۳	۳۵/۶	۲۲	بانک خاورمیانه	۱۰۰/۰	۷۱/۸
۳	دویچه بانک آلمان	۷۸/۵	۲۶/۵	۲۳	بانک تجارت	۴۳/۴	۲۹/۲
۴	بانک سوئد	۸۳/۴	۶۳/۰	۲۴	بانک ملت	۱۰۰/۰	۵۶/۸
۵	بانک بی ان پی پارینا	۱۰/۳	۴۳/۶	۲۵	بانک کارآفرین	۶۸/۴	۵۳/۳
۶	کردیت آگریکول	۴۱/۰	۲۵/۳	۲۶	بانک سامان	۱۰۰/۰	۳۹/۷
۷	بانک لئویدز انگلستان	۱۰۰/۰	۴۸/۶	۲۷	بانک پاسارگاد	۹۸/۷	۲۸/۷
۸	بانک بارکلی انگلستان	۱۰۰/۰	۹۱/۶	۲۸	بانک اقتصاد نوین	۷۸/۷	۳۹/۷
۹	اینتسا سانپائولوی ایتالیا	۵۳/۹	۲۲/۰	۲۹	بانک اسلامی بین‌المللی قطر	۴۶/۶	۷۰/۱
۱۰	پاپولار دی	۶۷/۷	۴۴/۸	۳۰	بانک	۵۸/۹	۶۵/۶

		اسلامی دوبی				ساندربو
۹۹/۹	۶۲/۹	بانک البرکه عربستان	۳۱	۶۸/۸	۲/۶	پروفیل دی چيستون
۱۰/۵	۱۰۰/۰	بانک ملی پاکستان	۳۲	۴۴/۴	۸۷/۰	بانک دسیو
۴۷/۸	۶۴/۶	بانک سمبای عربستان	۳۳	۲۳/۱	۴۷/۴	بانک مدیولانوم
۹۹/۹	۱۰۰/۰	بانک راجی عربستان	۳۴	۲۵/۶	۶۲/۵	بانک یونی کردیت
۲۷/۰	۳۶/۵	بانک اسلامی خلیج	۳۵	۲۲/۱	۹۲/۶	بانک بی بی ای آر ایتالیا
۴۴/۳	۱۱/۱	بانک توسعه اسلامی	۳۶	۲۴/۶	۷۰/۲	بانک بی بی ام ایتالیا
۶۱/۰	۷۱/۷	بانک الأهلی کویت	۳۷	۳۵/۲	۵۹/۵	بانک آی اف آی اس
۹۳/۶	۷۹/۶	بانک الدوجه قطر	۳۸	۴۲/۴	۱۰۰/۰	بانک مونته دی پاچی
۱۹/۹	۵۹/۲	بانک اسلامی الرایان	۳۹	۴۰/۵	۱۰۰/۰	بانک اچ اس بی سی
۸۷/۶	۱۰۰/۰	بانک اسلامی AFFIN عالزی	۴۰	۴۸/۲	۷۰/۰	روبال بانک اسکاتلند

۵۶/۱۵	۷۴	میانگین کارایی بانکداری اسلامی	۴۳/۱۸	۶۹/۵	میانگین کارایی بانکداری متعارف
۷/۸	میانگین کارایی کل بانک‌ها در DEA				
۳۷/۸	میانگین کارایی کل بانک‌ها در SFA				

### ۵-۳. ربوی بودن اوراق قرضه و بحران تأمین کسری بودجه آن

در بانک عملاً منابع پولی بسیاری جابه‌جا می‌شود و پول به‌عنوان بتی است که همه مردم به آن علاقه‌مند هستند و برای رسیدن به آن هر کاری می‌کنند. پس باید شیوه‌هایی را ابداع کرد که این شیوه‌ها مانع از تقلب شود، یا لاقط زمین‌های تقلب را کم کند.

ربوی شناختن اوراق قرضه در سیاست‌های پولی و بانکی بدون ربا به جریان تأمین مالی در اقتصاد آسیب زده است. هم دولت و هم بخش خصوصی طبق قانون تجارت قبل از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، می‌توانستند با فروش اوراق قرضه منابع مالی جمع کنند و کسری بودجه را جبران کنند؛ اما وقتی که دولت نتوانست کسری بودجه را از این طریق تأمین کند، ناچار به استقراض از بانک مرکزی بود و به‌واسطه همین موضوع، در ۳۰ سال گذشته همواره نرخ تورم، نرخ‌های دو رقمی بوده و دست بانک مرکزی در کنترل تورم کوتاه بود. به‌دلیل اینکه مجبور بود که منابع مالی مورد نیاز دولت را از طریق نشر اسکناس تأمین کند. براین‌اساس طراحی جایگزینی برای آن ضروری است، اوراق مشارکت نیز به‌عنوان جایگزین معرفی شده است، عملاً اوراق بانک مرکزی نیست و جای پول نمی‌نشیند. اوراق مشارکت، استفاده و جابه‌جایی منابع در دست اشخاص است؛ نه بین دولت و اشخاص؛ البته برخی از شرکت‌های دولتی و نهادها و سازمان‌های دولتی اقدام به انتشار اوراق مشارکت می‌کنند، ولی این اوراق نتوانست جایگزین اوراق قرضه شود. به‌دلیل اینکه ناشر اوراق قرضه دولت بود و خریداران آن، بانک مرکزی است. ولی ناشر اوراق مشارکت، بخش‌های مختلف اقتصادی هستند که وابسته به دولت هستند. عملاً این موضوع موجب نمی‌شود که کسری مالی دولت را تأمین کند؛ هرچند به تأمین مالی کمک می‌کند. باید اوراق مشارکت به‌گونه‌ای می‌بود که بتواند در بازار خرید و فروش شود و بانک مرکزی هم‌زمانی که لازم داشت، حجم اوراق را کم و زیاد

کند و حجم پول را تغییر دهد، ولی این توانایی معاملاتی روی اوراق مشارکت وجود نداشت. این مسائل در طراحی اوراق مشارکت و ابزار جدیدی با کارکرد تأمین کسری بودجه باید مدنظر باشد (میسسی و قلیچ، ۱۳۹۰).

برهمن اساس، برای رفع این معضل یک ابزار مالی خاصی به‌عنوان اوراق مبادله راستین تعریف شد که در مستندات بانکداری راستین موجود هست. سیاست‌های پولی و بانکی راستین دارای مجموعه‌ای از ابزارها است که می‌تواند ربا از عملیات بانکی حذف کند و زمینه‌های مشارکت و قرض‌الحسنه را در بانک‌ها ایجاد کند. همچنین زمینه‌های تحلف در نظام بانکی را اصلاح کند و خیلی از مشکلات ناشی از مطالبات معوق بانک‌ها رفع شود.

سیاست‌های پولی و بانکی دولت نیز به‌نوبه‌خود همین اختلالات را از لحاظ ساختاری به نظام پولی و بانکی کشور تحمیل کرده است. خزانه‌داری کل دولت عملاً منابع خود را از طرق مختلف تأمین مالی کرده و کسری بودجه‌اش را تأمین می‌کند؛ در صورتی که این کار باید به‌صورت قانونمند انجام شود. خزانه‌داری کل یا دولت نباید اجازه استقرار از بانک مرکزی را داشته باشد.

در منابع اسلامی صکوک برای جایگزینی اوراق قرضه معرفی شده است. اوراق بهادار اسلامی گرچه از جهت شیوه عملیاتی شباهت‌هایی با اوراق بهادار ربوی دارند؛ اما از جهت محتوا و ماهیت حقوقی تفاوت‌های اساسی دارند، اوراق بهادار ربوی به‌طور معمول بر اساس قرارداد قرض با بهره طراحی شده‌اند، صاحبان اوراق در مالکیت دارایی‌های حقیقی و فعالیت‌های اقتصادی و بازدهی آنها هیچ مشارکتی ندارند و در سررسیدهای مقرر بهره ثابت و احیاناً متغیر دریافت می‌کنند، در حالی که در اوراق بهادار اسلامی، صاحبان اوراق در مالکیت دارایی‌های حقیقی و در فعالیت‌های اقتصادی مشارکت دارند و بازدهی طرح‌ها، پروژه‌ها و فعالیت‌ها روی درآمد صاحبان اوراق اثر می‌گذارد و سود اوراق متأثر از بخش واقعی اقتصاد است (موسویان و بهاری قراملکی، ۱۳۹۱).

اوراق قرضه اوراقی هستند که دارنده آن به منتشرکننده پول قرض می‌دهد و در ازای آن در دوره‌های منظم (معمولاً شش ماهه) سود می‌گیرد و در پایان اصل پول را پس می‌دهد. این اوراق شرعی نیستند چراکه سود ثابتی را در ازای مبلغ معینی قرض می‌پردازند (ربا).

برای رفع این مشکل شرعی، یک ایده خارق‌العاده موجب به خلق صکوک اجاره شده است. صکوک مباحه این مشکل را این چنین حل می‌کنند که:

اول. شرکت اولیه که نیاز به سرمایه دارد، بخشی از دارایی فیزیکی خود را به یک شرکت ثانویه می‌فروشد؛  
دوم. شرکت ثانوی همان دارایی را به شرکت اولیه اجاره می‌دهد و در ازای آن اجاره بهای ثابت طلب می‌کند؛  
سوم. شرکت ثانوی تمام سهام خود را در بازار به فروش می‌رساند؛  
چهارم. اجاره‌بها به شکل مساوی و ثابت بین سهام داران شرکت ثانوی تقسیم می‌شود؛

پنجم. در پایان اجاره، شرکت اولیه دارایی فیزیکی خود را به همان قیمت قبلی از شرکت ثانویه پس می‌گیرد و این مبلغ بین سهامداران تقسیم می‌شود. بهتر است این کار با یک قرارداد پیش‌معامله در بدو کار انجام شود. اگر قرارداد پیش‌معامله در شرع مجاز نیست، بهتر است که بین دارنده صکوک و شرکت اولیه یک قرارداد اختیار خرید و یک قرارداد اختیار فروش معاوضه شود. به عبارت دقیق‌تر، دارنده صکوک یک قرارداد اختیار خرید به شرکت اولیه بدهد و شرکت اولیه یک قرارداد اختیار فروش به دارنده صکوک. با توجه به زوجیت اختیار خرید - فروش، این معاوضه معادل یک قرارداد پیش‌معامله است. در مقاله ذکر شده مورد پنجم نادیده گرفته شده است. برای اینکه صکوک همانندی بیشتری به اوراق قرضه داشته باشند، بهتر است که مورد پنجم با اعطای یک اختیار خرید به شرکت اولیه توسط شرکت ثانویه انجام شود. در غیراین‌صورت هیچ تضمینی وجود ندارد که در انتهای دوره‌ای که سرمایه‌گذاران صکوک، انتظار بازگشت اصل پول خود را دارند، اصل پولشان باز گردد (موسویان و خوانساری، ۱۳۹۵).

در اولین گام به سمت اسلامی شدن بانک‌ها بحث حذف ربا از سیاست‌های پولی و بانکی عنوان شد؛ اما بانکداری اسلامی در اینجا خلاصه نمی‌شود؛ یعنی علاوه بر حذف ربا که یک گام اساسی محسوب می‌شود باید تغییر و تحولات دیگری هم در نظام بانکی رخ دهد تا بتوانیم اسم نظام بانکی را بانکداری اسلامی بگذاریم. بدین‌منظور اصول و ضوابطی در بخش پولی و مالی باید حاکم باشد که بتوانیم بگوییم فعالیت‌ها و معاملات مؤسسه به نام بانک مطابق اسلام است یا خیر. از جهت کارایی و کارآمدی هم باید چه اصول و ضوابطی را رعایت کنیم که بگوییم مطابق با وضعیت کنونی اقتصاد ایران است. در مطالعات اسلامی می‌توان چند ضابطه را به عنوان ضوابط یک بانک اسلامی نام برد. مهم‌ترین آنها قاعده ممنوعیت «اکل مال به باطل است» قرآن در آیات متعدد بشریت و مسلمان‌ها را از اینکه در اموال یکدیگر

به روش‌های باطل تصرف کنند، نهی می‌کند و ممنوعیت ربا است. مهم‌ترین و گویاترین آیه در این باره آیه ۲۹ سوره نساء است که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ...»؛ نباید روابط تجاری و مالی بین افراد جامعه به روش‌های باطل باشد باید به سبک‌های تجاری و از روی رضایت صورت بگیرد؛ بنابراین یک نظام بانکی و یک بانک اسلامی در درجه اول باید ببیند شیوه‌ها، ابزارها و روش‌های معاملاتی و قراردادهایی که بسته می‌شود آیا از نوع قرارداد درست تجاری به‌شمار می‌رود یا از نوع باطل (هاشمی، ۱۳۹۲).

### ۶. شیوه‌های مهندسی سازوکارهای بانکداری اسلامی

به‌طور کلی می‌توان میان سه روش مهندسی معکوس، مهندسی ایستا و مهندسی پویای سازوکارهای بانکداری اسلامی تفکیک نمود.

#### ۱-۶. مهندسی معکوس

در این روش، سازوکار بانکداری اسلامی با الگوگیری از سازوکار سیاست‌های پولی و بانکی سنتی طراحی می‌شود. در این روش پس از نیازسنجی و تحلیل سازوکارهای متعارف در مرحله موضوع‌شناسی، نوبت به بررسی تطبیق موازین شرعی می‌رسد. در مرحله بعد، برای سازگار کردن ابزارهای موجود با موازین شرعی تغییراتی در آن ایجاد می‌شود. در صورت عدم امکان تعدیل ابزار موجود، با توجه به موازین شرعی ابزارهای مشابهی طراحی می‌شود.

#### ۲-۶. مهندسی ایستا

در روش مهندسی ایستا، پس از موضوع‌شناسی ابزارها و تطبیق موازین، اقدام به طراحی سازوکار متناسب با بانکداری اسلامی و بر اساس ضوابط شرعی می‌شود. در مرحله نهایی نیز ارزیابی نظری و عملی از سازوکار طراحی‌شده صورت می‌گیرد (یوسفی دیندارلو، ۱۳۹۴).

#### ۳-۶. مهندسی پویا

در این روش تلاش می‌شود که طراحی‌ها از حالت انفعالی خارج و نوعی رویکرد فعال اتخاذ شود. در این شیوه مهندسی، پس از موضوع‌شناسی سازوکار مشتمل بر سنخ‌شناسی نیاز و تحلیل سازوکار متعارف، نوبت به تطبیق موازین شرعی و نیز

ارزیابی سیستمی آن می‌رسد. مراد از ارزیابی سیستمی بررسی میزان هماهنگی سازوکار متعارف با اهداف سیستمی بانکداری اسلامی، ازجمله پیوستگی بخش حقیقی و پولی، محدودیت سفته‌بازی غیرمولد و اصول اخلاق بانکداری اسلامی است. مرحله بعد به طراحی سازوکارهای جدید برای تأمین ضوابط فقهی و اهداف سیستمی بانکداری اسلامی می‌رسد. در مواردی نیز ممکن است که تعدیل سازوکار موجود بتواند ضوابط فقهی و اهداف سیستمی را تأمین کند. یکی از جلوه‌های پویایی این روش، آزمون نظری و عملکردی سازوکارها برای اطمینان از کارایی آنها در تأمین ضوابط شرعی و اهداف سیستمی بانکداری اسلامی است. بررسی سازوکاری محیطی سازوکار نیز یکی از مؤلفه‌های اساسی در ارزیابی عملی سازوکار است.

## ۷. دو رویکرد در بررسی سازوکار بانکداری اسلامی

با توجه به شیوه‌های مطرح شده برای مهندسی سازوکارهای بانکداری اسلامی می‌توان میان دو رویکرد در بررسی شیوه‌های تجهیز، تخصیص و مدیریت منابع بانکی در بانکداری اسلامی تفکیک نمود. این بررسی را می‌توان با اتخاذ رویکردی فقهی یا سیستمی سامان داد. این دو رویکرد را می‌توان به‌ترتیب رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی و رویکرد مهندسی مالی نامید (یوسفی، ۱۳۸۳).

### ۷-۱. رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی

در رویکرد فقهی محض، میزان تطابق سازوکار بانکداری اسلامی با احکام و قواعد فقهی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این رویکرد، هدف بررسی میزان مطابقت سازوکارهای اسلامی با موازین شرعی می‌باشد. در این سمت‌وسو حذف ربا از اهمیت خاصی برخوردار است (موسویان و میثمی، ۱۳۹۳).

یکم. موضوع‌شناسی

دوم. بررسی فقهی

سوم. ارزیابی عملکردی

در رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی، بررسی سازوکار بانکداری اسلامی با موضوع‌شناسی سازوکارهای مشابه در بانکداری متعارف و بررسی سازوکارهای بانکداری اسلامی آغاز می‌شود. بررسی فقهی و ارزیابی عملکردی نیز مراحل بعدی ارزیابی اند (احمدیان، ۱۳۹۲).



**يکم. موضوع شناسي**

موضوع شناسي سازوکارها ناظر به تحليل سازوکار مورد استفاده در بانکداري متعارف و بانکداري اسلامي است؛ به طور نمونه، هنگامي که سخن از طراحي کارت هاي اعتباري در بانکداري اسلامي به ميان مي آيد، بررسي هاي اوليه در مورد چيستي و انواع کارت هاي اعتباري در بانکداري متعارف آغاز مي شود. در ادامه تحليلي از نياز به کارت هاي اعتباري در چهارچوب بانکداري اسلامي ارائه مي شود.

**دوم. بررسي فقهي**

تبيين حکم فقهي کارت هاي اعتباري متعارف مرحله بعدي بررسي را به خود اختصاص مي دهد. اگر بپذيريم که کارت هاي اعتباري به طور عمده کارت هاي بدهي هستند که در چهارچوب ربوي منتشر مي شوند، استفاده از آنها در بانکداري اسلامي مشروع نيست. در مقابل، کارت هاي اعتباري مبتني بر فروش اقساطي را که در برخي از بانک هاي اسلامي طراحي شده به واسطه مشروعيت قالب فروش اقساطي مي توان تأييد نمود.

**سوم. ارزيابي عملکردي**

در ارزيابي عملکردي کارت هاي اعتباري اسلامي، به طور عمده به ميزان موفقيت آنها در جلب رضايت مشتريان بانکها و همچنين کارايي عملياتي آن توجه مي شود. اينکه کارت هاي اعتباري اسلامي بتوانند ضمن درآمدزايي براي بانکها نيازهاي مشتريان به تأمين مالي در خریدهاي روزانه را تأمين کنند، مي تواند معياري براي موفقيت آنها باشد.

**۲-۷. رويکرد مهندسي نظام مالي**

در رويکرد مهندسي نظام مالي، تطبيق پذيري فقهي بخشي از فرايند تحليل و طراحي سازوکار بانکداري اسلامي را تشکيل مي دهد. در اين رويکرد، افزون بر بررسي فقهي سازوکار بانکداري اسلامي، تحليلي سيستمي با توجه به اهداف نظام مالي و بانكي اسلامي نيز صورت مي گيرد. بررسي سيستمي سازوکارها به طور عمده ناظر به سازگاري آنها با اهداف و اصول حاکم بر بانکداري اسلامي، از جمله پيوستگي بخش حقيقي و پولی صورت مي گيرد. به بيان ديگر، اگر بانکداري اسلامي به عنوان دکتريني جديد در فضاي سامان دهی مبادلات بخش پولی مطرح شود، اين سازوکار جديد بايد اهداف مطرح شده در اين نظريه را تأمين نمايد (توکلي، ۱۳۷۹).

## ۲-۱-۲-۷. مراحل ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی در رویکرد مهندسی

### مالی اسلامی

در رویکرد مهندسی مالی اسلامی، تحلیل سازوکار بانکداری اسلامی با موضوع‌شناسی تطبیقی سازوکار در فضای بانکداری متعارف و اسلامی صورت می‌گیرد. در مرحله بعد نوبت به تطبیق موازین شرعی بر سازوکار موجود یا طراحی شده می‌رسد. بررسی مقبولیت سیستمی سازوکار، یکی از مشخصه‌های اصلی رویکرد مهندسی مالی اسلامی است. با توجه به پویا بودن روش مهندسی مالی اسلامی، تطبیق‌پذیری در اجرا مرحله نهایی بررسی را شکل می‌دهد (موسویان، ۱۳۷۸).

### ۲-۲-۷. موضوع‌شناسی تطبیقی

سازوکار بانکداری اسلامی برای پاسخ‌گویی به نیاز موجود در تجهیز و تخصیص منابع پولی بر اساس موازین اسلامی گسترش یافته است. با توجه به سابقه بیشتر بانکداری ربوی در شکل دادن و ابداع شیوه‌های متنوع بانکداری، نقطه شروع در مهندسی بانکداری اسلامی موضوع‌شناسی سازوکار بانکداری ربوی است؛ به‌طورنمونه وقتی سخن از سازوکار سپرده‌پذیری در بانکداری ربوی به‌میان می‌آید، ابتدا باید مفهوم سپرده‌ها و انواع آن را بدانیم. سپرده بانکی ممکن است به پولی اطلاق شود که مردم وظیفه نگهداری‌اش را به بانک واگذار می‌کنند. همچنین سپرده‌گذاری می‌تواند نوعی سرمایه‌گذاری باشد و سپرده‌گذاران از بانک انتظار کسب سود داشته باشند. هر یک از این دو مفهوم ممکن است در فقه اسلامی در قالب حقوقی خاصی قرار گیرد و به تبع آن حکم متفاوتی پیدا کند (موسویان؛ نظرپور و کفشگر، ۱۳۸۸).

### ۲-۳-۷. بررسی مشروعیت فقهی

پس از موضوع‌شناسی نوبت به بررسی سازوکار مورد نظر از زاویه فقهی می‌رسد. با توجه به اهمیت حذف ربا در بانکداری اسلامی، ربوی نبودن سازوکارها معیاری اساسی در تحلیل سازوکار بانکداری اسلامی است. اهمیت این معیار به حدی است که ایده بانکداری اسلامی در آغاز در قالب بانکداری بدون ربا مطرح شد.

با توجه به اینکه سازوکار بانکداری اسلامی با استفاده از قراردادهای فقهی طراحی و تنظیم می‌شود، تحقق موازین فقه معاملات شرطی اساسی در مشروعیت آن است؛ به‌طورنمونه، هنگامی که از عقد سلف برای تأمین نیاز کشاورزان به وجوه استفاده می‌شود، رعایت شرایط این عقد، از جمله پرداخت همه یا بخشی از قیمت

پیش خرید الزامی است. این موضوع در مورد سایر عقود شرعی مورد استفاده در بانکداری اسلامی از جمله مضاربه، مشارکت، اجاره، مزارعه و مساقات نیز ضروری است (احمدیان، ۱۳۹۷، صص. ۷-۳۱).

علاوه بر نکات یاد شده، یکی از سیاست‌های پولی و بانکی، بر این نکته تأکید دارد که با بروز یک شوک مثبت نرخ بهره، به علت کاهش تقاضا برای وام، نرخ وام‌دهی و در نتیجه، سود بانک‌ها کاهش می‌یابد و بر اثر شوک مثبت نفتی، حجم نقدینگی، افزایش، نرخ وام‌دهی کاهش و میزان سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و تمایل خانوار به پس‌انداز کاهش می‌یابد که نتیجه آن، کاهش سوددهی بانک‌ها خواهد بود و ضروری است که مبانی فقهی و اسلامی این موضوع بررسی و ارزیابی شوند.

#### ۷-۲-۴. مقبولیت سیستمی

سازوکار بانکداری اسلامی علاوه بر تطابق با ضوابط فقهی باید از مقبولیت سیستمی نیز برخوردار باشد. مقبولیت سیستمی سازوکارهای بانکداری اسلامی ناظر به میزان سازگاری آنها با اهداف و اصول حاکم بر تأمین مالی اسلامی است (عیوضلو، ۱۳۸۶). در سال‌های اخیر، مباحث دامنه‌داری در مورد چگونگی تفکیک میان بازار پول و سرمایه در نظام مالی اسلامی مطرح شده است. اگر این تفکیک را بر اساس تمایز میان بازار کوتاه‌مدت و بلندمدت تسهیلات بپذیریم، نظام بانکی اسلامی در صد تجهیز و تخصیص منابع مالی در کوتاه‌مدت و همچنین ارائه خدمات اعتباری در چهارچوب اصول حاکم بر نظام مالی اسلامی می‌باشد (کمیسسیون اوراق بهادار مالزی، ۱۳۸۵).

علی‌رغم اینکه هنوز جمع‌بندی مورد اتفاقی در مورد اصول حاکم بر نظام مالی اسلامی وجود ندارد، برخی از این اصول عبارت‌اند از:

۱. پیوستگی بخش پولی و واقعی؛

۲. عدالت توزیعی؛

۳. کارایی عملیاتی؛

۴. تبعیت سود از زیان؛

۵. حذف سفته‌بازی قماری.

برخی از اصول فوق‌همانند کارایی عملیاتی در هر دو نظام مالی متعارف و اسلامی مورد توجه است. در مقابل، اصولی چون پیوستگی بخش پولی و واقعی، تبعیت سود از زیان و حذف سفته‌بازی قماری از جمله اصول خاص نظام مالی اسلامی است.

شاید بتوان با اتخاذ رویکردی جامع، رعایت تمامی معیارهای پیش‌گفته را در طراحی و ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی ضروری دانست. از این‌رو ربوی نبودن، تطابق با موازین فقهی، تأمین اهداف نظام بانکی اسلامی و همچنین سازگاری با اصول حاکم بر نظام مالی اسلامی، همگی به‌عنوان معیارهای ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی مطرح می‌شوند (رضایی و جلیلی، ۱۳۹۱، صص. ۱۶۹-۲۰۲).

### ۷-۲-۵. کارایی عملیاتی

یکی دیگر از معیارهای ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی بررسی میزان موفقیت آن در تأمین ضوابط شرعی و تحقق اهداف سیستمی آن است. با توجه به اقتضات بومی و محیطی ممکن است برخی سازوکارها نتوانند کارکرد مطلوبی داشته باشند. در این صورت، مهندسی مجدد سازوکار برای بهبود آن ضروری است؛ به‌طورنمونه، علی‌رغم اینکه پرداخت سود علی‌الحساب در نظام بانکی اسلامی با ضوابط شرعی و اهداف سیستمی بانکداری اسلامی سازگار است، این سازوکار در عمل مشکلاتی را ایجاد نموده است. با توجه به تعدد حساب‌های سرمایه‌گذاری و مشکلات محاسباتی سود در الگوی وکالتی، سود علی‌الحساب در عمل کارکرد سود قطعی را در نظام بانکداری اسلامی پیدا کرده است (محرابی و ندری، ۱۳۹۷).

### ۷-۲-۶. مقایسه دو رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی و سیستمی

برای مقایسه دو رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی و سیستمی در ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی توجه به مراحل ارزیابی در هریک از این دو روش مناسب است. همان‌گونه که گفته شد، روش ارزیابی سیستمی شامل مراحل زیر است:

مرحله یکم. موضوع‌شناسی تطبیقی: تحلیل زمینه‌های شکل‌گیری و چگونگی کارکرد سازوکار در نظام بانکی ربوی و اسلامی؛

مرحله دوم. بررسی فقهی: بررسی میزان سازگاری با قواعد و ضوابط فقهی، ازجمله عدم ربا و رعایت شرایط قراردادهای؛

مرحله سوم. مقبولیت سیستمی: بررسی میزان سازگاری با اهداف و اصول حاکم بر تأمین مالی اسلامی، ازجمله ریسک‌پذیری سرمایه، پیوستگی بازار مالی و حقیقی، محدودیت سفته‌بازی و عدالت توزیعی؛

مرحله چهارم. تطبیق‌پذیری در اجرا: تحلیل تطابق عملی با ساختار طراحی‌شده، کارایی عملیاتی.

در رویکرد ارزیابی تطبیق‌پذیری فقهی، فرایند ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی به‌طور عمده شامل مراحل موضوع‌شناسی و بررسی فقهی است. در این شیوه مقبولیت سیستمی سازوکارها و میزان موفقیت آنها در عمل چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. بی‌توجهی به ابعاد سیستمی سازوکار بانکداری اسلامی می‌تواند موجب شود که سازوکار متعارف بانکی با اندک تغییری در قالب سازوکار اسلامی مطرح شود. این موضوع نه‌تنها باعث ایجاد شبهه در مورد یکسان بودن سازوکارهای ربوی و اسلامی می‌شود بلکه از اثربخشی سازوکار بانکداری اسلامی می‌کاهد (مدنی‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷، صص ۴۳-۶۹).

### نتیجه‌گیری

- ۱- سازوکار بانکداری اسلامی راهبردی عملیاتی در تجهیز و تخصیص منابع پولی، ارائه خدمات بانکی و سیاست‌های پولی و بانکی بر اساس آموزه‌های اسلامی است.
  - ۲- به‌طور عمده می‌توان میان دو رویکرد ارزیابی محض فقهی و مهندسی مالی اسلامی در ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی تمایز قائل شد.
  - ۳- در رویکرد تطبیق‌پذیری فقهی بررسی سازوکار بانکداری اسلامی، فرایند بررسی تنها شامل موضوع‌شناسی و بررسی فقهی سازوکارهاست.
  - ۴- رویکرد مهندسی مالی اسلامی ارزیابی سازوکار بانکداری اسلامی مشتمل بر چهار مرحله موضوع‌شناسی تطبیقی، بررسی فقهی، سیستمی و عملکردی است. در این رویکرد پس از بررسی زمینه‌ای چگونگی شکل‌گیری سازوکار سازگاری آن با ضوابط شرعی و اهداف سیستمی بانکداری اسلامی بررسی می‌شود. مرحله پایانی بررسی به موفقیت سازوکار در عمل و اجرا اختصاص دارد.
  - ۵- سیاست‌های کلان و دوره‌ای پولی و بانکی، باید به نحوی باشد که ضمن تأمین کارآرایی لازم، مبتنی بر اندیشه دینی و اسلامی باشد و مبانی فقهی آن تأمین شده باشد.
- در پایان باید به این نکته متذکر شد که ارائه سیستم‌های مختلف بانکداری اسلامی و همچنین وجود اختلاف‌نظر در برخی دیدگاه‌ها و مبانی، مانع تحقق بانکداری اسلامی نخواهد بود؛ لکن در این‌میان، تأکید بر دیدگاه حرمت همه سیستم‌های بانکداری، چیزی جز انسداد در تحقق نظام اسلامی نخواهد بود.

## توصیه‌های سیاستی

۱- نخستین هدف نظام سرمایه داری رشد و هدف دوم آن عدالت (البته با مفهوم خاص آن) است، حال آنکه در نظام اقتصادی اسلام، هدف نخست عدالت و هدف دوم رشد است و در واقع رشد برای عدالت است. از این منظر می‌توان گفت عدالت یکی از اصول اساسی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت است. از این حیث باید گفت که تأمین و تجهیز نیازهای مالی جامعه باید به شکلی باشد که عدالت را برقرار کند و برای همگان برابر باشد. یک نظام کارآمد بانکی اسلامی در این راه یک ضرورت است؛ بنابراین بررسی عملکرد مالی و سیستم بایسته مالی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از اهم موضوعات بااهمیت در کارهای علمی در راستای تدوین الگو می‌باشد.

۲- سیستم مالی و بانکی در بسیار اهمیت دارد و سلامت این سیستم برای تأمین سلامت اقتصادی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت لازم است. محتمل‌ترین خطر عدم کارکرد درست سیستم بانکی ورشکسته شده آن و ریزش کل اقتصاد است. آنچه در این شرایط از اهمیت برخوردار است نظارت بر این سیستم است. در همه کشورها تا حد ممکن تلاش می‌شود که جلوی ورشکستگی بانک‌ها گرفته شود و از همه ابزارهای ممکن نیز برای این کار استفاده می‌شود.

۳- بانک‌ها نبض جریانات پولی کشور را هدایت می‌کنند و چنانچه هرگونه خللی در این رابطه (حتی در یک بانک) پیدا شود، اقتصاد کشور دچار نابسامانی می‌گردد؛ درحالی‌که ممکن است صدها بنگاه اقتصادی ورشکسته شوند ولی اتفاق خاصی در اقتصاد کلان رخ ندهد. براین‌اساس نظام مالی و بانکی در بسیار اهمیت دارد و سلامت این سیستم برای تأمین سلامت اقتصادی در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت لازم است. محتمل‌ترین خطر عدم کارکرد درست نظام بانکی ورشکسته شده آن و ریزش کل اقتصاد است. آنچه در این شرایط از اهمیت برخوردار است نظارت بر این نظام است.

۴- برای کاهش نرخ سود باید نرخ تورم را پایین آورد. به‌نظر برخی از صاحب‌نظران اقتصادی تورم مهم‌ترین عامل بالابودن نرخ سود بانکی در ایران است که باعث رشد بی‌عدالتی می‌شود. تعیین و کاهش دستوری سود بانک‌ها می‌تواند چنین عواقبی داشته باشد. کاهش نرخ‌های سود بانکی موجب افزایش شکاف بین نرخ‌های سود در بازارهای رسمی و بازارهای غیررسمی پول شده و رانت‌های اقتصادی را افزایش خواهد داد. در این وضعیت کارآفرینان واقعی کنار زده می‌شوند و رانت‌جویان به

میدان می‌آیند. برای حل مشکل تورم، بانکداری اسلامی یا باید در محیط اقتصادی اجرا شود که تورم مزمن و بالایی ندارد یا اینکه اجازه ورود به حوزه‌های دیگر مانند تبدیل دارایی‌ها به املاک و سایر کالاها را نداشته باشد.

۵- علی‌رغم مشکلات اساسی ما از منظر ساختار اقتصاد و قوانین کشور در مورد جذب سرمایه‌های کلان و فراهم آوردن شرایط جذب چنین سرمایه‌هایی، ما در مراحل نخستین نیز حتی در شرعی بودن این سرمایه‌ها هنوز به یک نظر واحد نرسیده‌ایم. از منظر شرعی ابزاری مانند تأمین مالی (فاینانس) که سرمایه‌گذار بر نحوه چگونگی سرمایه‌گذاری و غیره آن کاری نداشته و فقط سود خود به صورت ثابت دریافت می‌کند، جای اشکال است. همچنین سرمایه‌گذاری خارجی برای ما حتی اگر مشکل شرعی هم نداشته باشد، از این حیث اهمیت دارد که با شرایط کشور ما نیازمند صنعتی هستیم که با این سرمایه‌گذاری‌ها وارد ایران می‌گردد، درحالی‌که در ابزاری چون تأمین مالی هیچ انتقال فناوری و صنعتی رخ نمی‌دهد فقط منابع بیشتر را به نظام ناکارآمد و همراه با کاستی صنعت ما سرازیر می‌شود.

## فهرست منابع

احمدیان، اعظم (۱۳۹۲). ارزیابی شاخص‌های سلامت بانکی در بانک‌های ایران (۱۳۹۱-۱۳۹۰). مقاله کاری شماره ۹۲۲۲ MBRI، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی ایران.

احمدیان، اعظم (۱۳۹۷). طراحی سیستم رتبه‌بندی نظارتی بانک‌ها در شبکه بانکی کشور (رویکرد کم‌لز). فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۶(۸۵)، ۷-۳۱. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۰). دستورالعمل تأیید صلاحیت و عزل یا هرگونه تغییر مدیران ارشد و اعضای کمیته‌های ریسک، حسابرسی داخلی و رعایت قوانین و مقررات (تطبیق) مؤسسات اعتباری. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

توکلی، محمدجواد (۱۳۷۹). بررسی بانکداری بدون ربا در کشور اردن و مقایسه اجمالی آن با چهارچوب بانکداری بدون ربا در جمهوری اسلامی ایران. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی. رضایی، ابراهیم و جلیلی، رضا (۱۳۹۱). نگرشی بر تأثیر سیاست پولی از کانال اعتبارات نظام بانکی در اقتصاد ایران. پژوهش‌های پولی - بانکی، ۳(۷)، ۱۶۹.

روحانی، سیدعلی و بنی‌طبا، سیدمهدی (۱۳۹۶). پیامدهای نبود نظارت شرعی بر نظام بانکی ایران، دلالت‌های سیاستی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۲(۶)، ۸۷-۱۱۷.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۶). *شاخص‌های عدالت اقتصادی*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

عیوضلو، حسین (۱۳۸۷). اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی. *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، (۲۹).

عیوضلو، حسین و کریمی‌ریزی، مجید (۱۳۹۴). شناسایی و اندازه‌گیری شاخص عدالت و کارایی در نظام بانکی؛ مورد مطالعه: بانک توسعه صادرات ایران، استان اصفهان. *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۸(۱۵)، ۱۲۱-۱۴۶.

کمیسیون اوراق بهادار مالزی (۱۳۸۵). *مصوبات شورای مشورتی شرعی کمیسیون اوراق بهادار مالزی*. ترجمه مهدی نجفی و سیدسعید شمسی‌نژاد. تهران: دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

کهندل، محمد (۱۳۸۴). *عدالت در بانکداری اسلامی*. مجموعه مقالات همایش اسلام و توسعه اقتصادی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

محرابی، لیلا و ندیری، کامران (۱۳۹۷). *اصول حاکمیت شرکتی در نهادهای ارائه‌دهنده خدمات مالی اسلامی*. بیست‌ونهمین همایش بانکداری اسلامی، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

مدنی‌زاده، سیدعلی؛ سالارکیا، امیرعباس و محمودزاده، امینه (۱۳۹۷). کمبود نقدینگی، رقابت برای سپرده‌پذیری و سیاست‌های اعتباری بانک مرکزی. *فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه*، ۳۵(۱۳۷)، ۴۳-۶۹.

مکیان، سیدنظام‌الدین و محبی، رضا (۱۳۹۲). اطلاعات نامتقارن و وام بانکی: مطالعه موردی سیستم بانکی ایران. *سیاست‌گذاری اقتصادی*، سال پنجم، (۱۰).

موسویان، سیدعباس (۱۳۷۸). *بانکداری اسلامی*. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.

موسویان، سیدعباس (۱۳۸۹). طراحی مدل عملیاتی بانکداری اسلامی؛ سازگار با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. *فصلنامه علوم انسانی اسلامی*، صدر، (۱۰).

موسویان، سیدعباس (۱۳۹۲). شاخص‌های ارزیابی بانکداری اسلامی (مطالعه موردی سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه و تحقق آن). *قم: زمزم هدایت*.

موسویان، سیدعباس و بهاری قراملکی، حسن (۱۳۹۱). *مبانی فقهی بازار پول و سرمایه*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

موسویان، سیدعباس و خوانساری، رسول (۱۳۹۵). *اجتهاد چندمرحله‌ای روش پژوهش*



- استنباط مسائل فقه اقتصادی. فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، (۶۳).  
 موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین (۱۳۹۳). آسیب‌شناسی نظارت شرعی در  
 نظام بانکی ایران و ارائه اصلاح‌های قانونی. فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۱۴(۵۴)،  
 ۱۰۱-۱۲۹.
- موسویان، سیدعباس و میثمی، حسین (۱۳۹۵). بانکداری اسلامی (۱): مبانی نظری  
 - تجارب عملی. تهران: انتشارات پژوهشکده پولی و بانکی.
- موسویان، سیدعباس؛ نظرپور، محمدنقی و کفشگر جلودار، حسین (۱۳۸۸). نقش  
 شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی  
 (مطالعه تجربه چند کشور اسلامی). فصلنامه اقتصاد اسلامی، ۹(۳۶)، ۵۹-۸۸.  
 میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۴). الگوی ذخایر سپرده‌های بانکی در بانکداری اسلامی.  
 فصلنامه اقتصاد اسلامی، (۱۷).
- میثمی، حسین و قلیچ، وهاب (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی اجرای بانکداری اسلامی در  
 کشور: دلالت‌هایی برای تحول در نظام بانکی. مجله تازه‌های اقتصاد، (۱۳۲).  
 هاشمی، سیدمحمدتقی (۱۳۹۲). ارزیابی تحقق عدالت اقتصادی در الگوی بانکداری  
 اسلامی با تأکید بر الگوی تفکیک و الگوی بانکداری تجاری. (پایان‌نامه  
 کارشناسی ارشد). جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.
- یوسفی دیندارلو، مجتبی (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی نظام بانکی: توقف و ورشکستگی  
 بانک (تبیین چرایی موضوع). تهران: معاونت پژوهشی اقتصادی مرکز  
 پژوهش‌های مجلس.
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۳). راه‌های جبران ارزش پول در سپرده‌های بانکی از منظر  
 فقه و اقتصاد. سومین همایش دوسالانه اقتصاد اسلامی، تهران، ایران.